

میزان دریافت یاری الهی در زندگی با محوریت «تَنْزِلُ الْمَعُونَةِ عَلَى قَدْرِ الْمُؤْنَةِ»

فریده خسروی^۱

چکیده

یاری الهی چیست؟ به چه اندازه فرود می‌آید؟ و راه دریافت آن چیست؟ یاری انسان مؤمن همان یاری الهی است. هرچه شناخت ما از یاری الهی بیشتر باشد زندگی ما بهتر است. اگر کسی این یاری را نداشته باشد اصلاً نمی‌تواند بندگی داشته باشد. فقط کسی می‌تواند بندگی خدای سبحان را داشته باشد که یاری از خدای سبحان داشته باشد و قرار گرفتن در صراط مستقیم، از طریق دریافت این یاری است. تحقیق پیش رو شامل متن پژوهی حکمت ۱۳۹ نهج البلاغه «تَنْزِلُ الْمَعُونَةِ عَلَى قَدْرِ الْمُؤْنَةِ» است. این پژوهش با روش فقه الحدیثی و از طریق گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی متن و سند حکمت یادشده پرداخته است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که یاری الهی کریمانه از فضل با قدرت و محبت زیاد در همه موارد و همه زمان‌ها مستمر فرود می‌آید و ما را از همین دنیا تا ابد در بهشت قرب الهی ساکن می‌کند. راه دریافت آن نیز هزینه کردن کریمانه از فضل با قدرت و محبت زیاد در همه موارد و همه زمان‌ها مستمر است.

کلیدواژه‌ها: حکمت ۱۳۹ نهج البلاغه، یاری الهی، یاری‌رسانی، هزینه، تأمین هزینه.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰.

۱. کارشناس ارشد علوم حدیث گرایش نهج البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث (ooo14341@gmail.com)

۱. مقدمه

۱-۱. تبیین مسئله

یاری الهی چیست؟ به چه اندازه فرود می‌آید؟ و راه دریافت آن چیست؟ همه قوت و قدرت و حرکت انسان‌ها به یاری الهی است. ما انسان‌ها جز به یاری الهی اصلاً حرکت و قوت و قدرتی نداریم. مفهوم یاری الهی حرکتی است که به قدرت او باشد؛ یعنی حقیقت قدرت وجودی مان یاری الهی است و نمود آن حرکت به قدرت اوست. یاری الهی، حرکت به قدرت اوست، پس هرکسی که حرکت می‌کند به قدرت اوست؛ ولی این‌جا منظور آن حرکت و قوت و قدرتی است که مشخصاً خدای سبحان به فردی برای بندگی کردن می‌دهد. اگر این حرکت و قوت و قدرت نباشد، فرد اصلاً نمی‌تواند بندگی کند. یاری‌ای که او را به نهایت عبودیت و بندگی می‌رساند و او را از بقیه کسانی که یاری از غیر می‌گیرند، جدا می‌کند. این فرد یاری از خدا می‌گیرد. مشخصه اصلی انسان متدین و مؤمن، دریافت این یاری است؛ یاری‌ای که فرد برای بندگی می‌گیرد و اگر این یاری نباشد، فرد اصلاً نمی‌تواند بندگی کند؛ چون بندگی‌اش به حول و قوه الهی است.

مهم‌ترین نیاز زندگی ما انسان‌ها شناخت یاری الهی است و هر چه این شناخت کامل‌تر و همه‌جانبه‌تر صورت بگیرد، زندگی ما زندگی تازه، گوارا، طیب، سرزنده، پویا، خوشحال، شاد و اصلاً بهشت می‌شود؛ بهشت با تمام نعمت‌های آن و ساکن شدن در آن و دیدن مستمر خدای سبحان، به گونه‌ای که در آخرت، بهشتی‌ها می‌گویند: ﴿هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا﴾؛ این همان است که قبلاً به ما روزی شده بود و مانند آن به ایشان داده شود (بقره: ۵). در این صورت است که با معنای واقعی زندگی در دنیا آشنا می‌شویم و معتقدیم که زندگی بدون این شناخت در واقع زندگی نیست؛ ادای زندگی است. یعنی بهره‌مندی ما از انواع استعدادهایی که خدای سبحان نصیب ما کرده و انواع نعماتی که در نظام آفرینش وجود دارد، در پرتو این یاری صورت می‌گیرد و هر چه قدر که این موهبت را از یاد ببریم، هم به خود و هم به اطرافیانمان ظلم کرده‌ایم و استفاده صحیح از نعمت‌های خدای سبحان و انواع استعدادهایی که خداوند نصیب ما کرده، صورت نگرفته است. استفاده صحیح نیز بر مبنای یاری‌ای است که خدای سبحان به واسطه امام به ما می‌دهد. اگر کسی این یاری را نداشته باشد، اصلاً متدین نمی‌تواند زندگی کند، اگر چه ظاهراً به نظر خودش متدین است و بندگی صحیح نمی‌تواند داشته باشد.



این مقاله، در پی پاسخ گفتن به این سؤالات است: منظور از المَعُونَةُ چیست؟ منظور از المَمُونَةُ چیست؟ ارتباط بین المَعُونَةُ و المَمُونَةُ چیست؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

مقالاتی با پیشینه خاص وجود دارند که به مصادیق المَعُونَةُ پرداخته‌اند و همچنین مقالاتی با پیشینه عام که فقط به حکمت مورد نظر اشاره کرده‌اند؛ اما با موضوع یاری الهی بحث شده در حکمت ۱۳۹ نهج البلاغه، مقاله، پایان‌نامه و کتابی یافت نشد. نظریات علما و شارحین پیشین این است که یاری الهی به اندازه نیاز، رنج، سختی، رنج عیال او، هزینه، خرج و صرف مال فرود می‌آید؛ اما نظر به دست آمده در این مقاله این است که یاری الهی کریمانه از فضل، به اندازه هزینه کریمانه از فضل فرود می‌آید. این نوشتار با استفاده از کلام مطهر امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در حکمت ۱۳۹ نهج البلاغه (تَنْزِيلُ الْمَعُونَةِ عَلَى قَدْرِ الْمُؤْمِنَةِ) (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۴۱۸-۴۱۶/۴؛ همو، ۱۳۸۹: ۴۰۱/۱؛ همو، ۱۳۷۶: ۵۵۱-۵۵۲؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۳۳۸/۱۲؛ همو، ۱۴۰۷: ۲۸۴/۶)، به دنبال شناخت راهی بسیار ساده، راحت و کاربردی برای دریافت یاری کریمانه از فضل الهی برای یاری دادن به خانواده و ساکن کردن آنها از همین دنیا در بهشت قرب الهی است.

۳-۱. اهمیت و اهداف پژوهش

طبق آیات و روایات فقط کسانی می‌توانند خدا را بندگی کنند که از خدای سبحان یاری داشته باشند. بدون یاری الهی، اصلاً انسان نمی‌تواند بندگی داشته باشد و امکان ندارد بدون شناخت صحیح از یاری الهی و راه دریافت آن بتواند بندگی صحیحی انجام دهد. طبق فرموده امام سجاد: «فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَلَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ فَأَبْدْنَا بِتَوْفِيقِكَ؛ هیچ حرکت و جنبشی نیست مگر به قوت تو و هیچ قوتی نیست مگر به یاری و مدد تو، پس با توفیق خودت ما را یاری کن» (صحیفه سجاده: ۹). یعنی برای بندگی ابتدا باید از خداوند سبحان یاری داشت؛ یاری‌ای که به عبد بودن ما کمک می‌کند و ما را در نهایت عبودیت قرار می‌دهد. ممکن است سؤال شود که این همه غیر مؤمن که یاری می‌شوند، یاری خود را از چه کسی می‌گیرند؟ باید گفت: منظور آن یاری ماندگاری است که تا ابد ما را کفایت می‌کند، نه یاری‌ای که فقط شامل این دنیا است؛ یاری‌ای که



هر روز در نماز آن را می‌طلبیم: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾؛ تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم؛ ما را به راه راست هدایت کن (حمد: ۵-۶). این بدین معناست که مقدمه بندگی در صراط مستقیم، همین یاری الهی است. اصلاً در صراط مستقیم قرار گرفتن، به واسطه این یاری است و بندگی‌ای که قرار گرفتن در صراط مستقیم است، با یاری الهی میسر می‌شود و همه جهات و جنبه‌های زندگی ما را در بر می‌گیرد. گویا ما اصلاً بدون این یاری در صراط مستقیم قرار نگرفته‌ایم و بودن ما در مسیر صراط مستقیم، با این یاری است. همچنین ما معتقدیم که یاری الهی به واسطه معصومان علیهم‌السلام به ما می‌رسد. برای شناخت صحیح از یاری الهی و راه دریافت آن، از حکمت ۱۳۹ نهج البلاغه و از کلام گهربار امیر مؤمنان علی علیه‌السلام سود برده‌ایم.

۱-۴. روش پژوهش

این پژوهش با روش فقه الحدیثی و از طریق گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی به شیوه تحقیق متن پژوهی، به بررسی متن و سند حکمت ۱۳۹ نهج البلاغه (تَنْزِيلُ الْمَعُونَةِ عَلَى قَدْرِ الْمُؤْنَةِ) پرداخته است.

۲. مفهوم‌شناسی پژوهش

۱-۲. تعریف مسئله

یاری الهی قوت، قدرت و حرکتی الهی است که خدا از طریق راهی که خود معرفی کرده (معصومان) برای بندگی به انسان مؤمن می‌دهد.

۲-۲. معنای لغوی الْمَعُونَةُ

- «و الْمَعُونَةُ عَلَى مَفْعَلَةٍ فِي الْقِيَاسِ عِنْدَ مَنْ جَعَلَهُ مِنَ الْعَوْنِ. وَ رَجُلٌ مِعْوَانٌ: حَسَنُ الْمَعُونَةِ؛ وَ الْمَعُونَةُ هُنَا مَقَامُ قَرَارِ دَانِشِ از رِيشَةُ عَوْنٍ بِرِ وَزْنِ مَفْعَلَةٍ اسْتِ وَ مَرْدِي كِه زِيَادِ يَارِي مِي دِهْدِ بَه مَرْدِمِ (كِرِيم): نِيكُو يَارِي دِهْنْدِه» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲/۲۵۴).

یعنی اگر ریشه را عون بگیریم و فعل را جایگزین آن کنیم، وزن آن مَفْعَلَةٌ به دست می‌آید. المعونه با ریشه عون بر وزن مَفْعَلَةٌ است که اگر عون را بر وزن مَفْعَلَةٌ ببریم، مَعُونَةٌ حاصل می‌شود که در این حالت اعلال قلب صورت می‌گیرد و حرف عله حرکتش را به حرف ما قبل خود می‌دهد و حرف عله به حرف همجنس ضمه که واو است تبدیل می‌شود و واژه «مَعُونَةٌ» به دست می‌آید.

مردی که زیاد یاری می‌دهد (رجل معوان) یعنی یاری دادن او یک بار و چند بار نیست؛ زیاد است. به او کریم می‌گویند؛ یعنی کسی که خیر بسیار می‌رساند و نفع‌رسانی‌اش دوام دارد. حسن المعونه یعنی نیکو یاری‌دهنده است. در یاری دادن، وقتی می‌توانیم بگوییم یک نفر خوب یاری می‌دهد که به موقع و سریع یاری بدهد و زمانی که برساند آنچه را که باید برساند، می‌گوییم خوب یاری می‌دهد، یعنی نیکو یاری‌دهنده است. لذا کسی که زیاد، سریع و به موقع یاری بدهد و آنچه را که باید برساند، می‌رساند، می‌گوییم این مرد یاری‌رسانی همه‌جانبه کریمانه و شایسته از فضل در همه موارد و همه زمان‌ها دارد.

– «المُعُونَةُ: الإِعَانَةُ. يقال: ما عندك مُعُونَةٌ، و لا مَعَانَةٌ، و لا عَوْنٌ؛ مُعُونَةٌ: إِعَانَةٌ. می‌گوید آنچه که نزد توست معونه است و نه همکاری و نه کمک (جوهری، ۱۳۷۶: ۲۱۶۸/۶).

اعانه یاری همه‌جانبه کریمانه شایسته از فضل در همه موارد و همه زمان‌ها؛ یاری کردنی است که نزد توست، خودش را موظف و مسئول می‌داند که یاری برساند؛ یعنی به عهده گرفتن و نه همکاری و نه کمک. صحبت از کمک و همکاری نیست که یک بار باشد یا چند بار؛ زیاد است و دائم و همیشگی و وقتی کسی دائم و همیشه به عهده بگیرد که برساند، یعنی یاری‌رسانی دارد.

– «یعنی کسر شهواته فی القبائح، بأن فعل به لطفاً اختار عنده الطاعة و اجتناب المعصية، و إن شئت قلت أَعَانَهُ اللهُ عَلَى نَفْسِهِ: إِفَادَتُهُ تَعَالَى لِعَقْلِهِ قُوَّةَ قَهْرِ نَفْسِهِ الْأَمَارَةَ بِالسُّوءِ. وَ الْعَوْنُ: الظَّهْرُ عَلَى الْأَمْرِ، وَ الْجَمْعُ أَعْوَانٌ. وَ يُقَالُ أَعَانَ لَهُ: إِذَا صَارَ مُعَوَّانًا. وَ أَعَانَ عَلَيْهِ: إِذَا تَرَكَهُ عَنِ الْمَعُونَةِ. وَ الْعَوْنُ: اسْمُ سَيْفٍ كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ. وَ الْمَعُونَةُ: الْإِعَانَةُ، وَ كَذَا الْمَعَانَةُ بِالْفَتْحِ أَيْضًا، يُقَالُ مَا عِنْدَكَ مَعُونَةٌ وَ لَا مَعَانَةٌ وَ لَا عَوْنٌ. وَ فِي الْحَدِيثِ "تَنْزِلُ الْمَعُونَةُ عَلَى قَدْرِ الْمُتَوَكِّلِ". وَ ذَلِكَ لِتَكْفُلِ اللَّهُ تَعَالَى بِالْأَرْزَاقِ؛ هَمَّتْ مِى كُنْتُ بِه شَكْسْتَن شَهْوَاتِ اُو دَر كَارِهَائِ بَد، بَا نِيكِي كَرْدَن اُو. نَزْد اُو اطاعت را برگزید و همچنين دوری از معصيت را و اگر خواستی، گفتم خدا او را یاری کند بر نفسش: خدای تعالی به عقلش قدرتی داد که دور کند نفسش را از امرکننده به بدی و عَوْنُ: پشتیبانی بر امر است و جمع آن أعوان. و گفته می‌شود او را یاری کرد: هنگامی که وسیله یاری شد و او را یاری نکرد: هنگامی که یاری او را ترک کرد. و عون: اسم شمشیر رسول الله ﷺ بود. و معونه: همان اعانه است و همچنين معانه با فتحه مانند آن است. گفته می‌شود آنچه نزد توست معونه است و همکاری و کمک نیست. و در حدیث آمده که: «تَنْزِلُ الْمَعُونَةُ عَلَى قَدْرِ الْمُتَوَكِّلِ». این برای کفایت کردن خدا با روزی‌هاست» (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۸۵/۶).

وقتی خدا نیکی می‌کند، شهوات بد انسان و جلب منفعت حرام او شکسته می‌شود. وقتی شهوات بد او شکسته می‌شود، قدرت پیدا می‌کند. عقل، فهم این تشخیص را به دست می‌آورد که اطاعت محض داشته باشد. وقتی جهت‌گیری فرد به سمت خدا باشد، به واسطه آن قدرتی که خدا به فرد می‌دهد، بندگی را انتخاب می‌کند و به دست آوردن مال حلال و دوری از گناه را برمی‌گزیند. اگر خواستی که شاید بتوان آن را بالاتر از طلبیدن دانست پیش آید، خود خدا راه را از اول نشان می‌دهد. در دعا نیز آمده که خدا او را برای غلبه بر نفسش یاری می‌کند؛ یعنی خداست که ما را در برابر نفسمان یاری می‌دهد. گفته می‌شود اگر وسیله یاری‌رسانی بشوی، یاری می‌شوی؛ یعنی مثل ناودان که وسیله رساندن است اگر هر آنچه که به تو داده می‌شود، تمام و کمال به دیگران برسانی، یاری می‌شوی. اسم شمشیر پیامبر ﷺ عون بوده یعنی خدا عبد را پشتیبانی می‌کند.

اعانه یعنی یاری همه‌جانبه کریمانه شایسته از فضل در همه موارد و همه زمان‌ها. آنچه که نزد آن فرد است این است که به عهده بگیرد که برساند و بخواهد که برساند. خداوند می‌داند که چه بدهد که کفایت امور کند و کفایت‌کننده فقط اوست.

پس نتیجه می‌گیریم معنای لغوی مَعُونَةٌ (عون) عبارت است از: به عهده گرفتن یاری‌رسانی همه‌جانبه کریمانه و شایسته از فضل در همه موارد و همه زمان‌ها.

۲-۳. معنای لغوی المَعُونَةُ

المَعُونَةُ اصلش بدون همزه است (الموونه) که پس از اعلال، همزه می‌گیرد. ریشه آن هم «مون» است که وقتی اعلال صورت می‌گیرد می‌شود «مأن».

- «المَعُونَةُ (مأن): فعولة من مانهم يمونهم، أي: يتكلف مؤونتهم. و المَائِنَةُ: اسم ما يمون، أي: يتكلف من المَعُونَةُ. و مَائِنَةُ الصدر: لحمة سمينة في أسفل الصدر كأنها لحمة فضل، و كذلك مائة الطفطفة؛ مَعُونَةُ: فعولة از روزیشان، روزیشان می‌دهد؛ یعنی هزینه‌شان را بر عهده می‌گیرد. مائِنَةُ: اسم چیزی است که روزی می‌دهد؛ یعنی از هزینه به عهده می‌گیرد. و مائة الصدر: گوشت چاق در پایین سینه را می‌گویند؛ گویا گوشت فضیلت است. و مائة الطفطفه نیز این چنین است» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۸۹/۸).

مَعُونَةُ بر وزن فعولة، یعنی از روزیشان به صورت دائم و همیشگی روزیشان می‌دهد؛ مَائِنَةُ، اسم چیزی است که روزی می‌دهد و هزینه آن را به عهده می‌گیرد. مائة الصدر، گوشت چاق در

پایین سینه گویا گوشت فضیلت است؛ یعنی هزینه بسیار زیاد از فضل. مانه الطفطفه، گوشت لرزان و نرم را می‌گویند که اشاره به تازگی گوشت دارد؛ یعنی گوشت را خیلی سریع و گوارا و به لطف دادن؛ یعنی کریمانه دادن یعنی این فرد به عهده می‌گیرد که هزینه همه‌جانبه کریمانه شایسته از فضل را در همه موارد و همه زمان‌ها بدهد.

- «المؤونة تهمز و لا تهمز، و هي فعولة، وقال الفراء: هي مفعلة من الأين، وهو التعب و الشدة. و يقال هي مفعلة من الأون، وهو الخرج و العذل، لأنها ثقل على الإنسان؛ مؤونة با همزه و بدون همزه و بر وزن فعوله. فراء گفت: بر وزن مفعله از آين و آن سختی و شدت است و گفته می‌شود آن مفعله از اُون است و آن هزینه و عدل است برای آن‌که آن بر انسان سنگین است» (جوهری، ۱۳۷۶: ۲۱۹۸/۶).

وقتی می‌گوید مؤونة هزینه و عدل است، یعنی هر چیزی را سر جای خودش باید قرار داد؛ یعنی هزینه‌ای که به حق و حق آنهاست باید از روی عدل باشد؛ صرف هزینه دادن نیست. عدل بر انسان سنگین است یعنی قدرت تشخیص ندارد که مثلاً چه موقع بدهد، چه جور بدهد، چه قدر بدهد و اصلاً چه چیزی بدهد که به درد آنها بخورد که واقعی و حق باشد. این مسئله از هر نظر در هر انسانی، متفاوت است. اگر کسی بتواند موفق به اجرای عدالت شود به این علت است که کار بر او آسان شده است؛ چون کار را او انجام نمی‌دهد؛ او فقط صورت کار است و کار را خدا انجام می‌دهد. فقط اوست که می‌تواند از روی عدل بدهد و هر چیزی را سر جای خودش قرار دهد. او فقط آنچه را که خدا داده، تمام و کمال می‌دهد. یعنی از فضل می‌دهد و مظهر عدل و فضل و کرم الهی، وجود مقدس امیر مؤمنان علیه السلام است. گویا دست امیر مؤمنان علیه السلام است که از فضل می‌دهد و کار را برای انسان آسان می‌سازد و عدالت را اجرا می‌کند.

- «الميم و الواو و النون كلمة واحدة و هي المون: أن تَمونَ عيالک، أي تقوم بكفایتهم و تتحمل مؤونتهم. و [أما] المؤونة فمن المون و الأصل فيها مؤونة بغير همزة؛ ميم و واو و نون، یک کلمه است و آن مَون است: برای این‌که خانواده خود را روزی دهی، هر زمان اقدام کنی به کفایت کردنشان و هزینه آنها را متحمل بشوی. اما مؤونة پس از ریشه مَون است و اصل در آن، مؤونه است بدون همزه» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۸۶/۵).

پس تأمین هزینه خانواده، یعنی کریمانه از فضل دادن؛ یعنی مرد به خانواده آرامش خاطر می‌دهد که همیشه هست و تأمین هزینه آنها را متحمل می‌شود؛ یعنی مرد به عهده می‌گیرد که هر نوع هزینه را همه‌جانبه کریمانه شایسته از فضل در همه موارد و همه زمان‌ها بدهد.



- «مَانَهُ يُمُونُهُ مَوْنًا: إِذَا احْتَمَلَ مَوْنَتَهُ / وَ قَامَ بِكِفَايَتِهِ فَهُوَ رَجُلٌ مَمُونٌ؛ مَانَهُ يُمُونُهُ مَوْنًا: هِنْكَامِي كِه مَتَحَمَّلْ بَشُوْد هَزِيْنَهٗ اَوْ رَا / وَ اِقْدَامْ كَرْدْ بَهْ كِفَايَتِ اَوْ، پَسْ اَوْ مَرْدِي تَأْمِيْن كِنْنْدَهٗ اَسْت» (طريحي، ۱۳۷۵: ۶/۳۲۰-۳۲۱).

هنگامي كه هزينهٔ او را به عهده بگيرد كه بدهد و به كفايت او اقدام كند، يعنى براى برآورده كردن نيازهايشان قدم برداشته است. پس او مردى تايمين كننده است و به خاطر اين كار، به خانواده آرامش خاطر مى دهد كه هميشه هست. يعنى از فضل مى دهد؛ چون تايمين كننده فقط خداست و اين مرد، متصف به صفت خدايى مى شود. پس مى توان درخصوص معنای لغوی مؤونة به اين نتيجه رسيد: به عهده گرفتن هزينهٔ همه جانبه كريمانه شايسته از فضل در همهٔ موارد و همهٔ زمان ها.

۲-۴. ربط بين الْمَعُونَةُ وَالْمَوْوَنَةُ

بين مَعُونَةُ و مَوْوَنَةُ مى توان نسبت مساوى در نظر گرفت؛ يعنى به گونه اى نسبتشان مساوى است كه شايد بتوان گفت: معونه، همان موونه است؛ با اين تفاوت كه از اين جهت كه براى يارى دادن، يارى مى گيرد، مى شود يارى رسانی و از آن جهت كه همهٔ آن يارى را مى رساند، مى شود هزينه كردن (همان روزى رسانی خداوند). پشتيبانى كار نيز با خداست؛ يعنى اوست كه همه جانبه كريمانه و شايسته از فضل در همهٔ موارد و همهٔ زمان ها مى دهد و حتى قدرت اين رساندن را او به فرد مى دهد كه برساند و يارى رسانی داشته باشد و كار را براى او به واسطهٔ مظهر عدل و فضل و كرم امير مؤمنان عليه السلام آسان مى كند؛ يعنى دست مبارك امير مؤمنان عليه السلام است كه كريمانه از فضل مى دهد و كار را براى ما آسان مى كند. كل كار دست خداست؛ چون پشتيبانى و حمايت كار به دست اوست. اين فرد فقط عبد است؛ هر چه را كه خدا داد، او نيز مى دهد؛ يعنى اطاعت امر و بندگى مى كند و كريمانه از فضل مى دهد.

۲-۵. به دست آوردن ظرافت معنایی کلمه «المعونة»

۲-۵-۱. پيدا كردن واژه های مشابه و مترادف

«مَعُونَةٌ: [عون]. إِعَانَةٌ، مُعَاوَنَةٌ، مُسَاعَدَةٌ، مُسَانَدَةٌ، غَوْثٌ، مَدَدٌ، رِفْدٌ، إِعَاثَةٌ، إِسْعَافٌ، إِتْجَادٌ، مُؤَاوَزَةٌ، نَجْدَةٌ: مترادف های کلمه مَعُونَةٌ [عون] عبارت اند از: إِعَانَةٌ، مُعَاوَنَةٌ، مُسَاعَدَةٌ، مُسَانَدَةٌ، غَوْثٌ، مَدَدٌ، رِفْدٌ، إِعَاثَةٌ، إِسْعَافٌ، إِتْجَادٌ، مُؤَاوَزَةٌ، نَجْدَةٌ» (اسماعيل صيني، ۱۴۱۴: ۱۰۳).

۲-۵-۱-۱. غُوث

- «هی الإعانة و النصرة عند الشدة؛ یاری و نصرت هنگام سختی» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۰۰/۴).

- «هی الإعانة و النصرة بعد الشدة؛ یاری و نصرت بعد از سختی» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۳۹/۷).

۲-۵-۱-۲. إسعاف

- «إسعافاً، إذا قضيتها له؛ و أسعفته أيضاً، إذا أعتته على أمره؛ إسعافاً: هنگامی که به آن نیاز دارد؛ همچنین أسعفته: هنگامی که در آن کار به او یاری کرد» (ابن درید، ۱۹۸۸: ۸۳۹/۲).

- «أعانه: أسعفه على الأمر؛ أعانه: هنگام نیاز او در آن کار به او یاری کرد» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۵۲/۹).

- «إسعافاً: قضيتها له و أسعفته: أعتته على أمره؛ إسعافاً: نیاز دارد به آن برای او؛ أسعفته: یاری کرد به او در آن کار» (فیومی، ۱۴۱۴: ۲۷۷).

۲-۵-۱-۳. نَجْدَة

- «و لاقى فلان نَجْدَةً، أى شدة، أمراً عاكه؛ و برخورد کرد با فلان نَجْدَةً؛ یعنی سختی امر معاش» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۹۱/۵).

- «نَجْدَةٌ. أى: شِدَّة؛ نَجْدَة یعنی شِدَّت» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۹۱/۱).

۲-۵-۱-۴. مُسَاعَدَة

- «مُسَاعَدَة: یاری نمودن در چیزی است که گمان سعادت در آن هست» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲۱۹/۲).

- «المساعدة: متابعة العبد أمر ربه؛ مساعدة: پیروی کردن بنده از امر پروردگارش» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۵۴/۵).

- «[سعد]: المساعدة: المطاوعة؛ كانه قال: أجيبك إجابة و أطيعك طاعة؛ مساعدة: پیروی کردن؛ مانند این که او گفت: اجابت کردم تو را اجابت شایسته‌ای و اطاعت کردم تو را اطاعت شایسته‌ای» (زمخشری، ۱۴۲۷: ۱۴۲/۲).

۲-۵-۱-۵. رفد

- «الرَّفْد: العطية، أى: يعطى غير أهله؛ الرَّفْد: بخشش؛ یعنی می‌بخشد به غیر از خانواده‌اش» (حمیری، ۱۴۲۰: ۲۵۶۸/۴).

- «فی حدیث الزکاة: "أعطى زكاة ماله طيبة بها نفسه رافدةً عليه" الرافدة فاعلة، من الرَّفْدِ و هو الإعانة. يقال رَفَدْتُهُ أُرْفِدُهُ؛ إذا أَعْنَتَهُ: أى تعينه نفسه على أدائها؛ در حدیث زکات آمده: "می‌بخشد زکات مالش را و طاهر و پاک می‌کند به وسیله آن نفسش را بخششی بر او". رافدة، اسم فاعل از رَفْد و آن همان اعانه است. می‌گوید بخشیدم به او بخشیدنی هنگامی که "أَعْنَتَهُ"؛ یعنی معین کرد نفسش را بر ادای آن» (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۲۴۱/۲).

۲-۵-۱-۶. مُعَاوَنَةٌ

- «العَوْن: همان یاری و پشتیبانی است؛ یعنی مُعَاوَنَةٌ و مظاهرة - که هر دو مصدر در همان معنای همیاری است. وقتی می‌گویند: فلان عَوْنِي، یعنی معین و یاور من است» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۷۶/۲).

۲-۵-۱-۷. إِعَانَةٌ

- «كل شيء استعنت به، أو أعانك فهو عَوْنُك. و الصوم عَوْنٌ على العبادة؛ همه چیز یاری می‌گیرد از او، یا تو را یاری می‌رساند، پس او کمک توست. و روزه کمک بر عبادت است» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۵۳/۲).

- «كالصوم عَوْنٌ على العبادة؛ مانند روزه، کمک بر عبادت است» (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۲۸/۳).

- «المُعَوْنَةُ: الإِعَانَةُ؛ معونه: یعنی یاری رساندن» (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۸۵/۶).

جمع بندی: مترادف‌های کلمه «معونه» هر کدام یاری در موردی خاص یا در زمانی خاص است؛ ولی معونه، یاری در همه موارد و همه زمان‌هاست؛ یعنی یاری کریمانه از فضل در همه موارد و همه زمان‌ها و معونه، همان اعانه است.

۲-۵-۲. فرق بین کلمات مشابه و مترادف

«الفرق بين الإعانة والنصرة: أن النصره لا تكون الا على المنازع المغالب و الخصم المناوئ المشاغب، و الاعانة تكون على ذلك و على غيره تقول أعانه على من غالبه و نازعه و نصره عليه

و أعانه على فقره اذا أعطاه ما يعينه و أعانه على الاحمال و لا يقال نصره على ذلك فالاعانة عامة و النصرة خاصة؛ تفاوت بين اعانة و نصرة: به درستی که نصرت فقط بر دعوای پیروز و دشمنی با حریف مزاحم است؛ اما اعانه، بر آن و بر غیر آن است. وقتی می‌گویی اعانه، یعنی پیروز شدی بر او و نزاع کردی با او و یاری شدی بر او، و یاری بر فقرش هنگامی که داد به او آنچه را که یاری می‌کند او را، و یاری کرد او را بر حمل کردن و نمی‌گویند نصرت کرد او را؛ پس اعانه، عام است و نصرت، خاص» (عسکری، ۱۴۰۰: ۱۸۳/۱).

در نتیجه، نصرت، یاری در هنگام پیروزی بر دعوا و دشمنی است و اعانه، یاری همه‌جانبه کریمانه و شایسته از فضل در همه موارد و همه زمان‌ها. وقتی واژه اعانه به کار می‌رود، یعنی پیروز شدی بر او و نزاع کردی با او و یاری شدی بر او. پس هم قبلش، هم حینش، هم بعدش و هم هنگامی که در زمان فقر است به او می‌دهد تا ابد؛ یعنی یاری کریمانه از فضل در همه موارد و همه زمان‌ها مستمر است.

۲-۶. جمع‌بندی ظرافت معنایی کلمه «مَعُونَةٌ»

ظرافت معنایی واژه اعانه و معونه، تأکید روی مستمر بودن یاری است که این یاری در همه زمان‌ها و همه موارد از همین دنیا تا ابد، مستمر به او داده می‌شود و برای او نگهداری می‌گردد؛ پس یاری کریمانه از فضل در همه موارد و همه زمان‌ها مستمر از این دنیا تا ابد است.

۲-۷. معنای اصطلاحی

۲-۷-۱. معنای کلمات حقیقی از مجازی و معنای واژه‌های دشوار

– المَعُونَةُ: «و تقول: إذا قلت المعونة كثرت المؤونة. و قال بعض العرب: أجزّ لي سراويلي فإني لم أستن أي أسبغها لي فإني لم أستحدّ، قاله لمن أراد قتله؛ و می‌گوید هنگامی که یاری کم شود، هزینه زیاد می‌شود و بعضی از عرب‌ها گفته‌اند: شلواری مرا برایم اجاره کن، پس قطعاً من طلب یاری نکردم؛ یعنی من آن را برای خودم نپوشیدم. پس قطعاً من طلب حد نکردم. آن را به کسی گفت که خواست او را بکشد» (زمخشری، ۱۹۷۹: ۴۴۰/۱).

– الحديث «أجزّ لي سراويلي»: قال الأزهري: هو من أجزّزته رسنه: أي دع السراويل عليّ أجزّره. و الحديث الأول أظهر فيه الإدغام على لغة أهل الحجاز، و هذا أدغم على لغة غيرهم. و

يجوز أن يكون لَمَّا سلبه ثيابه و أراد أن يأخذ سراويله قال: أجز لي سراويلي، من الإجارة، أي أبقه عليّ، فيكون من غير هذا الباب؛ ازهری گفت: او کسی است که رهایش کردم که هر کاری می‌خواهد انجام بدهد: یعنی شلوارها را بر من رها کن؛ اجاره‌اش می‌کنم. و در حدیث اول به زبان اهل حجاز، ادغام را اظهار می‌کند و این به زبان غیر اهل حجاز ادغام کرد. و اجازه می‌دهد به این دلیل که آن لباس، انسانیتش را از بین نبرد و بی‌شک خواست که شلوارهایش را بگیرد، لذا گفت: شلوارهای مرا از اجاره به من اجاره بده؛ یعنی آن را برای من باقی بگذار، پس این جدای از موضوع است» (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۱/۲۵۸).

وقتی می‌گوید او کسی است که رهایش کردم تا هر کاری می‌خواهد انجام بدهد، یعنی از قدرتمندی و محبت فرد است که او را آزاد می‌گذارد تا هر کاری می‌خواهد انجام دهد و تا این حد بی‌اندازه از او بخواهد یعنی لباس بندگی او را بخواهد؛ یعنی اجاره شلوارها را می‌دهم؛ پس خودش با تمام وجود می‌خواهد که او (خانواده) از فضل از او بخواهد.

و این به زبان غیر اهل حجاز است و اجازه می‌دهد برای آن‌که آن لباس انسانیت و بندگی‌اش را نبرد؛ یعنی خود آن فرد اجازه می‌دهد. از قدرتمندی و محبت فراوان آن فرد است که به او اجازه می‌دهد تا این حد بی‌اندازه از او بخواهد. پس جدای از موضوع یاری‌رسانی، این فرد از قدرت و محبت زیاد از او می‌خواهد که از فضل بطلبد و با قدرت و محبت زیاد کریمانه از فضل می‌دهد.

معنای حقیقی: یعنی یاری‌رسانی محض دارد. در واقع حکم ناودان را دارد؛ واسطه‌ای برای رد شدن آب از آن و رسیدن آب به جای دیگر. در واقع خودش رساننده است؛ یعنی وسیله است و طلب کمک نمی‌کند؛ یعنی قدرت دارد و برای خودش هم بر نمی‌دارد تا استفاده کند؛ امانت‌دار است و حد هم معلوم نمی‌کند که چه قدر برساند و حتی نظر خودش را هم اعمال نمی‌کند. آن کسی که می‌خواهد او را بکشد می‌تواند انسانی باشد که انواع رذائل مانند: کبر، حسد، کینه و ... در وجود او هست یا این‌که رنج و سختی و نیازمندی و یا خرج و هزینه‌ها و یا در کل دنیا را می‌خواهد، یعنی سطح طلبش کم است و از غیر فضل، طالب دنیا است. آن شخص با یاری‌رسانی به وسیله قدرت و محبت زیاد کریمانه از فضل وجود او را پر می‌کند و سطح طلبیدن او را افزایش می‌دهد و او را از زیادی از فضل، طالب بهشت قرب الهی می‌کند. چنین شخصی وجودی برای خودش قائل نیست؛ یعنی خودش را کاره‌ای نمی‌بیند و همه‌کاره را خدا می‌داند. یعنی او بدهد، من می‌دهم و خداست که

از فضل و کرم می دهد و هر چه قدر شما بخواهید طلب کنید او می دهد. المونونه هزینه های ماست که اگر طلبیدن ما کم بشود و از کمی از غیر فضل هزینه بشود، یعنی از غیر امیر مؤمنان علیه السلام طلبیده بشود، دریافتی ما یعنی یاری ما از جانب خدا کم می شود و اگر طلبیدن ما زیاد بشود و از زیادی از فضل هزینه بشود یعنی از امیر مؤمنان علیه السلام طلبیده بشود، یاری ما از جانب خدا زیاد می شود و چون مثل ناودان که دو طرف آن مساوی است، یعنی کم بخواهد، کم می دهد و زیاد بخواهد، زیاد می دهد، حال این جا که می گوید هنگامی که یاری کم شود، هزینه زیاد می شود، یعنی بستگی به یاری رسانی است که می رساند که اگر با قدرت و محبت زیاد کریمانه از فضل نرساند، در نتیجه یاری خدا کم می شود و هزینه بالا می رود. پس اصل بر کریمانه از فضل رساندن با قدرت و محبت زیاد است و مظهر عدل و فضل و کرم الهی، امیر مؤمنان علیه السلام است. دستی که کریمانه از فضل با قدرت و محبت زیاد می دهد، دست امیر مؤمنان علیه السلام است؛ یعنی دریافت مستقیم از دست مبارک امیر مؤمنان علیه السلام و به وجود آوردن بهشت قرب الهی در همین دنیا و رهایی و آزادی واقعی در دو دنیا به دست امیر مؤمنان علیه السلام و ساکن شدن در بهشت قرب الهی از این دنیا تا ابد.

– الْمَوْؤَنَةُ (مون / مان): «فیه مَوْؤونة و مَوْؤونات و مَوْؤُن و هی جمع مَوْؤنة فی نحو قوله: أمیرنا مَوْؤنته خَفِیفَه، و أصاب مَأْنَتَه و هی السُّرَّة و ما حولها؛ در آن مَوْؤونة و مَوْؤونات و مَوْؤُن است و در نحو به آن جمع مَوْؤنة گفته می شود: امیر ما هزینه را سبک کرد، و به شکم خود که همان ناف و اطراف آن است زد» (زمخشری، ۱۹۷۹: ۵۸۰/۱).

هزینه ای زیاد به او داده شده و خود امیر، همه جوانب را در نظر گرفته که به او داده؛ یعنی همه جانبه کریمانه و شایسته از فضل به شکم خود که همان ناف و اطراف آن است زد. در این موقعیت، احساس این که مورد لطف و محبت زیاد قرار گرفته، موجب خوشحالی او شده است. هزینه آنها را سبک کرده، یعنی هزینه ای زیاد و هنگفت داده و سنگین و با قدرت هم هزینه داده است. یعنی سبک کردن هزینه به وسیله کریمانه از فضل با قدرت و محبت زیاد دادن. مظهر عدل و فضل و کرم الهی نیز امیر مؤمنان علیه السلام است؛ دستی که کریمانه از فضل با قدرت و محبت زیاد می دهد دست امیر مؤمنان علیه السلام است؛ یعنی دریافت مستقیم از دست مبارک امیر مؤمنان علیه السلام و به وجود آوردن بهشت قرب الهی از همین دنیا و رهایی و آزادی واقعی در دو دنیا به دست امیر مؤمنان علیه السلام و ساکن شدن در بهشت قرب الهی از این دنیا تا ابد.



«میزان دریافت یاری الهی در زندگی با محوریت «تنزل المعونة علی قدر المؤونة»

جمع‌بندی کلی از معنای اصطلاحی موونه و معونه بر اساس کتب غریب الحدیث: اصل بر کریمانه از فضل با قدرت و محبت زیاد دادن است، چه در یاری‌رسانی چه در هزینه کردن.

۳. صرف و نحو و بلاغت

نکته: تَنْزِلُ فعل مضارع است و دلالت بر حال و آینده دارد؛ یعنی دائم و همیشگی است؛ یعنی قانونی است که در همهٔ زمان‌ها صدق می‌کند.

معنای تحت الفظی حکمت از لحاظ صرف و نحو: یعنی فرود آمدن یاری الهی دائم و همیشه است؛ قانونی است که در همهٔ زمان‌ها از این دنیا الی الأبد صدق می‌کند.

جمع‌بندی از معنای اصطلاحی حکمت یادشده: وقتی بنای فرد بر این باشد که دائم و همیشه و مستمر خانوادهٔ خود را با قدرت و محبت زیاد کریمانه از فضل تأمین کند، خدا همهٔ زمان‌ها (الی الأبد) او را با قدرت و محبت زیاد کریمانه از فضل کفایت می‌کند.

۴. آیهٔ مرتبط با حکمت یادشده

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ﴾؛ مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آن‌که خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آن‌که از اموالشان خرج می‌کنند. پس، زنان درستکار، فرمان‌بردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند (نساء: ۳۴).

مردان سرپرست زنانند به دلیل این‌که خدا بعضی مردان را بر بعضی برتری داده است؛ یعنی بعضی مردان از فضل می‌دهند و بعضی دیگر از غیر فضل. خداوند آنهایی را که از فضل می‌دهند، برتری داده است. این برتری‌ای که خداوند به آنها می‌دهد، به واسطهٔ بندگی‌شان است. یعنی هر آنچه را که خداوند به آنها می‌دهد، به خانواده می‌دهند و همه را هم می‌دهند؛ یعنی کریمانه از فضل و همیشه و مستمر می‌دهد. همیشه و مستمر و مستقیم از دست مبارک امیر مؤمنان علیه السلام می‌دهد و مستمر خدا را نشان می‌دهد، در نتیجه برتری‌ای به او داده می‌شود. این برتری عظمت و بزرگی‌ای است که خدا به او می‌دهد؛ یعنی از او عظمت و بزرگی الهی مشاهده می‌شود. همچنین به دلیل آن‌که از اموالشان خرج می‌کنند؛ خرج یعنی هزینه کردن کریمانه از

فضل. در مقابل هم، زنان درستکار به پاس آنچه که خداوند برای آنان حفظ کرده یعنی به شوهران امر به یاری رسانی کریمانه از فضل کرده، پس فرمان بردارند و اسرار شوهران خود را حفظ می کنند و آنها هم با قدرت و محبت زیاد کریمانه از فضل هزینه می کنند و نگاهبان شوهران خود هستند.

از آیه یادشده این نتیجه به دست می آید: هم مرد و هم زن، با قدرت و محبت زیاد کریمانه از فضل هزینه می کنند.

۵. تشکیل پرونده علمی از فهم عالمان پیشین

«یاری (روزی) به اندازه هزینه نازل می شود» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۵: ۳۵۸).

«یاری فرود می آید از جانب خدا به قدر خرج؛ پس، از بسیاری عیال و کثرت خرجی که شرعاً مذموم نباشد غمگین و ترسناک نباید بود» (خوانساری، ۱۳۶۶: ۴۳).

«کمک به اندازه صرف مال نازل می شود» (خویی، ۱۴۰۰: ۲۱۱).

«کمک و یاری (روزی هر کس از جانب خدا) به اندازه نیامندی او خواهد رسید» (فیض الاسلام، ۱۳۶۸: ۱۱۵۸).

«کمک و یاری به اندازه رنج و سختی می رسد» (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۵۳۸).

«فرو فرستد یاری را بر قدر رنج عیال او» (نهج البلاغه، ۱۳۷۷: ۴۷۲).

۶. جمع بندی بحث

المُعُونَةُ: یاری؛ روزی؛ کمک؛ کمک و یاری.

المُؤْنَةُ: هزینه؛ خرج؛ صرف مال؛ نیامندی؛ رنج و سختی؛ رنج عیال.

یاری الهی کریمانه از فضل، به اندازه هزینه کریمانه از فضل فرود می آید و تأکید بسیار زیاد که هزینه کریمانه از فضل باید باشد و همین کریمانه از فضل دادن است که باعث می شود یاری الهی را مکرر کریمانه از فضل دریافت کنیم و هم در این دنیا دریافت داشته باشیم، هم در آخرت کریمانه از فضل دریافت کنیم. اگر هزینه دادن باشد، ولی کریمانه از فضل نباشد، دچار انواع گرفتاری ها رذیله ها، رنج ها، سختی ها، هزینه ها، خرج ها و صرف مال های سنگین و بی حاصل خواهیم شد.

یعنی هر چه قدر ما کریمانه هر آنچه را که خداوند از فضل به ما داده، بدهیم و همه را هم بدهیم، دست ما خالی می شود برای این که دوباره دریافت کننده یاری الهی باشیم و اگر همه را

ندهیم، دست ما برای دریافت یاری الهی خالی نیست و با آن مقدار کم که دستمان هست، باید زندگی کنیم. برای همین انواع گرفتاری‌ها، خالی بودن‌ها و یا هزینه‌های سنگین سراغمان می‌آیند؛ چرا که با آن مقدار کمی که در دستمان هست باید انواع هزینه‌ها را جبران کنیم و این اصلاً امکان‌پذیر نیست! اگر می‌گوییم زندگی خوبی داریم، در واقع داریم ادای زندگی خوب را در می‌آوریم؛ در حالی که با آمدن هر روز جدید باید روزی جدید هم دریافت کنیم. اگر گرفتار رنج‌ها و سختی‌ها می‌شویم به دلیل این است که دریافتی نداشته‌ایم؛ یعنی مسیر را اشتباه رفته‌ایم. کم طلبیده‌ایم از غیر فضل و از غیر امیرمؤمنان علیه السلام. اگر قرار است دائم درگیر دنیا و انواع رنج‌ها و سختی‌ها و رذائلش باشیم، پس چه موقع باید خداوند را بندگی کنیم؟! باید دانست اگر ایرادی هم هست متوجه خود ماست؛ وگرنه بارش یاری الهی کریمانه از فضل در همهٔ موارد و همهٔ زمان‌ها مستمر در حال فرود آمدن است. اگر دریافتی نداریم، ایراد متوجه خود ماست.

طبق فرمودهٔ خداوند سبحان در قرآن: ﴿وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ﴾ از فضل خدا درخواست کنید (نساء: ۳۲). یعنی از فضل هزینه کنید و به واسطهٔ امیرمؤمنان علیه السلام از خدا درخواست کنید؛ یعنی مستقیم از دست مبارک امیرمؤمنان علیه السلام دریافت کنید. آن وقت آنچه پدیدار می‌شود، به‌وجود آمدن بهشت قرب الهی از همین دنیا و رهایی و آزادی واقعی در دو دنیا به دست امیرمؤمنان علیه السلام و ساکن شدن در بهشت قرب الهی از این دنیا تا ابد است. درخواست از فضل یعنی هزینه از فضل، ما را از گرفتاری در دنیا و آخرت نجات می‌دهد و آزادی واقعی را نصیبمان می‌کند و ما را از همین دنیا ساکن بهشت قرب الهی می‌کند. خداوند تحت هر شرایطی، کریمانه از فضل به ما می‌دهد؛ این ما هستیم که راه را می‌بندیم. چون دریافتی نداریم، همین دنیای ما را هم کفایت نمی‌کند و گرفتار انواع رذائل، رنج‌ها و هزینه‌های سنگین و بی‌حاصل خواهیم شد و احساس خالی بودن از درون خواهیم داشت. در واقع هر چه بیشتر با این روش نادرست پیش می‌رویم، بیشتر دچار این گرفتاری‌ها خواهیم شد. بودن و ماندن ما در مسیر درست (صراط مستقیم) با همین روش و اندازه، یعنی درخواست از فضل خدا و هزینه کردن از فضل، یعنی دریافت مستقیم از دست امیرمؤمنان علیه السلام.

پس نتیجه می‌گیریم که: یاری الهی کریمانه از فضل، به اندازهٔ هزینهٔ کریمانه از فضل فرود می‌آید.

۷. نتیجه‌گیری

با بررسی حکمت شماره ۱۳۹ نهج البلاغه در خصوص میزان دریافت یاری الهی در زندگی، این نتایج به دست آمد:



۱. از نظر کتب لغت: کیفیت و کمیت یاری‌رسانی و هزینه کریمانه از فضل است (تأکید از فضل کریمانه)؛
۲. ربط بین معونة و موونة: هرچه را که خداوند به او بدهد، کریمانه از فضل می‌دهد (تأکید از فضل کریمانه)؛
۳. ظرافت معنایی: در همه موارد و همه زمان‌ها مستمر کریمانه از فضل می‌دهد (تأکید از فضل کریمانه)؛
۴. از لحاظ معنای اصطلاحی: با قدرت و محبت زیاد، کریمانه از فضل در همه زمان‌ها می‌رساند (تأکید از فضل کریمانه)؛
۵. قرآن: هم مرد، هم زن با قدرت و محبت زیاد، کریمانه از فضل هزینه می‌کنند (تأکید از فضل کریمانه)؛
۶. تأکید کریمانه از فضل یک بار و چند بار نیست، زیاد است؛ یعنی لازمه کار و اصلاً راه دریافت یاری الهی، کریمانه از فضل دادن است؛ چون خدا کریمانه از فضل می‌دهد، در نتیجه بهشت قریبی به وجود می‌آید و آن فرد با یاری‌رسانی کریمانه از فضل می‌تواند بهشت قریبی را بوجود آورد و خدا را مستمر به آنها نشان دهد و وجود آنها را مستمر کریمانه از فضل الهی پر کند و آنها را از همین دنیا در بهشت قرب الهی ساکن کند.
۷. مظهر عدل و فضل و کرم الهی، وجود مقدس امیرمؤمنان علی علیه السلام است که در واقع ما وجه صوری کار هستیم؛ یعنی دستی که مستمر کریمانه از فضل می‌دهد، دست مبارک امیرمؤمنان علی علیه السلام است که آن نعمت از لطف، کریمانه و از فضل، پایان‌ناپذیر می‌شود و خدا را مستمر نشان می‌دهد و ما را از همین دنیا تا ابد در بهشت قرب الهی ساکن می‌کند که در آخرت بهشتی‌ها می‌گویند: «هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا؛ این همان است که قبلاً به ما روزی شده بود و مانند آن به ایشان داده شود» (بقره: ۲۵).
۸. پس در نتیجه: یاری الهی کریمانه از فضل با قدرت و محبت زیاد در همه موارد و همه زمان‌ها مستمر به اندازه هزینه کریمانه از فضل با قدرت و محبت زیاد در همه موارد و همه زمان‌ها مستمر فرود می‌آید.^۱

۱. شایسته است که مراتب قدردانی و سیاس‌گزاری خود را از استاد ارجمند و فرزانه‌ام جناب آقای مرتضی حائری شیرازی اعلام دارم و مقاله پیش رو را به پیشگاه مطهر حضرت زهراء علیها السلام و امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام تقدیم نمایم.

کتاب‌نامه

- * قرآن کریم.
* نهج البلاغه.
* صحیفه سجادیه.
۱. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، (۱۳۶۶ ش)، شرح غرر الحکم (خوانساری)، تهران: دانشگاه تهران.
 ۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، (۱۳۷۵ ش)، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، تهران: نشر نی.
 ۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷ ش)، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق و تصحیح: محمود محمد طنّاحی و طاهر احمد زاوی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چهارم.
 ۴. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، (۱۴۱۳ ق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.
 ۵. _____، (۱۳۹۸ ق)، التوحید، تحقیق و تصحیح: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین، اول.
 ۶. _____، (۱۳۷۶ ش)، الأمالی، تهران: کتابچی، ششم.
 ۷. ابن درید، محمد بن الحسن، (۱۹۸۸ م)، جمهرة اللغة، بیروت: دار العلم للملایین، اول.
 ۸. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق و تصحیح: هارون عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول.
 ۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر، سوم.
 ۱۰. ابن میثم، میثم بن علی، (۱۳۷۵ ش)، ترجمة شرح نهج البلاغه ابن میثم، مشهد: آستان قدس رضوی و بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
 ۱۱. ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ ق)، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول.
 ۱۲. اسماعیل صینی، محمود، (۱۴۱۴ ق)، المکنز العربی المعاصر، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، اول.

۱۳. جوهری، اسماعیل بن حمّاد، (۱۳۷۶ ق)، الصحاح، تحقیق و تصحیح: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، اول.
۱۴. حمیری، نشوان بن سعید، (۱۴۲۰ ق)، شمس العلوم، تحقیق و تصحیح: مطهر بن علی اریانی و یوسف محمّد عبدالله و حسین بن عبدالله عمری، دمشق: دار الفکر، اول.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمّد، (۱۳۷۴ ش)، مفردات الفاظ قرآن، تهران: مرتضوی، دوم.
۱۶. _____، (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، اول.
۱۷. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۹۷۹ م)، أساس البلاغة، بیروت: دار صادر، اول.
۱۸. _____، (۱۴۲۷ ق)، الفائق، بیروت: دار الکتب العلمیة، اول.
۱۹. طریحی، فخر الدین بن محمّد، (۱۳۷۵ ش)، مجمع البحرین، تحقیق و تصحیح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، سوم.
۲۰. عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۰ ق)، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الآفاق الجدیة، اول.
۲۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، (۱۳۷۷ ش)، نهج البلاغة (ترجمة فارسی قرن پنجم و ششم)، تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت، دوم.
۲۳. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، (۱۳۶۸ ش)، ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الاسلام)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه.
۲۴. فیومی، احمد بن محمّد، (۱۴۱۴ ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: مؤسسه دار الهجرة، دوم.
۲۵. کلینی، محمّد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ق)، الکافی، تحقیق و تصحیح: دارالحديث، قم: دار الحديث، اول.
۲۶. _____، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمّد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چهارم.
۲۷. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، قاهره و لندن: دار الکتب العلمیة و مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، سوم.
۲۸. هاشمی خوی، حبیب الله بن محمّد، (۱۴۰۰ ق)، منهاج البراعة، تحقیق و تصحیح: ابراهیم میانجی، ترجمه: حسن حسنزاده آملی و دیگران، تهران: مکتبة الاسلامیة، چهارم.